

حدود ۲.۵ میلیون سال پیش، طی فرایند تکامل (فرگشت)، اولین گونه‌های انسانی در کره خاکی پدید آمدند. این گروه‌های انسانی که کنار هم زندگی می‌کردن و با هم ارتباط داشتن، «جامعه» نامیده شدن. حدود ۷۰ هزار سال پیش، انسان‌ها شروع به ایجاد ساختارهای پیچیده‌ای درون این جامعه‌ها کردن؛ این ساختارها که سازمان‌دهنده زندگی اون‌ها بود، «فرهنگ» نام گرفت. در نهایت همین دو قرن پیش بود که دانشمندی فرانسوی به نام آگوست کنت برای بررسی رفتارهای انسان‌ها در جامعه و فرهنگ از علمی به نام «جامعه‌شناسی» سخن گفت.

همین چند خط بالا به خوبی نشون می‌ده که موضوع علم جامعه‌شناسی چیز جدیدی نیست. ریشه‌اش برمی‌گرده به همون روزهای اولی که اولین انسان‌ها روی زمین راه رفتن! پس اصلاً عجیب نیست که اهمیتمش خیلی بیشتر از چندتا سؤال کنکور باشه که از این درس طرح می‌شه؛ اما خب، توی این کتاب ما قراره با همین سؤال‌های کنکوری سر و کله بزنیم و براشون آماده بشیم.

ساختار کلی کتاب

این کتاب، جلد دوم از یه مجموعه دوجلدیه به اسم «کتاب تست جامعه‌شناسی خیلی سبز». توی این جلد، تمرکز کامل روی درس‌نامه‌های آموزشی. برای دسترسی به تست‌ها و پاسخ‌های تشریحی، حتماً جلد اول رو هم ببینید؛ چون این دوتا مکمل همدیگه هستن.

ویژگی‌های کتاب

- اولین و مهم‌ترین نکته اینه که مثل جلد اول کتاب، توی این جلد هم اولویت ما کنکوره. درس‌نامه‌های کتاب کاملاً به حال و هوای کنکور نزدیکن و برای تست‌زنی نوشته شدن.
- مطالب رو به صورت مفهومی توضیح دادیم تا صرفاً به حفظ کردن بسنده نکنید و تا جای ممکن جان مطلب رو هم درک کنید. همچنین برای توضیح اکثر مطالب، از مثال استفاده کردیم؛ نه تنها همه مثال‌های کتاب درسی رو پوشش دادیم، بلکه گاهی مثال‌هایی خارج از متن کتاب درسی هم آوردیم.
- سعی کردیم تا حد امکان مطالب رو دسته‌بندی کنیم و از ابزارهای آموزشی مثل جدول و نمودار کمک بگیریم؛ از این طریق پیچیدگی و شلختگی متن کتاب درسی رو تا حد زیادی حل کردیم.
- همه مطالب کتاب درسی رو پوشش دادیم، از بخوانیم و بدانیم‌ها و فعالیت‌ها گرفته تا پاورقی‌ها و عکس‌های کتاب درسی.
- درس‌نامه‌ها براساس آخرین تغییرات کتاب درسی، به روزسانی و اصلاح شدن.
- از برخی ابزارها توی درس‌نامه‌ها استفاده کردیم؛ برای این که بهتر و روان‌تر بتونید درس‌نامه رو بخونید، لازمه این ابزارها رو معرفی کنیم:
- 🔍 **دورنما** خیلی مهمه که بدونید محتوای اصلی هر درس چیه! توی این بخش که ابتدای هر درس براتون آوردیم، موضوعات و پرسش‌های اصلی درس رو مشخص کردیم.
- ★ **نکته** بعضی وقت‌ها یه نکته ساده می‌تونه قفل چندتا سؤال رو باز کنه. این نکات رو توی درس‌نامه بعد از ذکر مطالب اصلی هر بخش براتون آوردیم.
- 📌 **نکته ترکیبی** بدون اغراق می‌شه گفت که درس جامعه‌شناسی، ترکیبی‌ترین درس توی کنکور انسانی. برای این که بتونید مطالب ترکیبی رو در کنار هم بررسی کنید، ما این نکات رو براتون توی درس‌نامه آوردیم. **نکته ترکیبی (یادت میاد؟)** مربوط به مطالب ترکیبی با درس‌های قبله؛ **نکته ترکیبی (یادت باشه!)** هم مربوط به نکات ترکیبی با درس‌های بعده.
- + **جمع‌بندی** گاهی لازمه مطالب اصلی رو با چند کلیدواژه و به صورت فشرده‌شده یاد بگیریم. بخش جمع‌بندی با این هدف توی درس‌نامه‌ها آورده شده.
- 🔗 **اگه گفتی** این بخش در پایان هر مبحث قرار داره؛ توی این بخش با چندتا سؤال مهم و کلیدی، هم اون مطلب رو براتون یادآوری و مرور می‌کنیم و هم شما رو آماده می‌کنیم که برید سراغ تست‌های اون مبحث.

حرف آخر

در آخر لازمه از تیمی که پشت این کتاب بوده حسابی تشکر کنم؛ به طور ویژه از مهندس سبزه‌میدانی عزیز ممنونم که با اعتماد و حمایتشون مسیر این پروژه رو هموار کردن. همچنین از مؤلف‌های جلد اول کتاب هم صمیمانه تشکر می‌کنم، مخصوصاً استاد عزیزم خانم صالح‌نژاد که همیشه ازشون یاد گرفتم و قدردانشون هستم. از ویراستارهای دقیق و پرتلاش کتاب هم ممنونم که با دقت و وسواسشون نقش مهمی در کیفیت نهایی کار داشتن.

سعی کردیم هر چیزی رو که برای کنکور درس جامعه‌شناسی نیاز دارید، توی این کتاب بیاریم. با این حال، هیچ کاری بی‌نقص نیست و همیشه جا برای بهتر شدن هست. خوشحال می‌شم اگه نقدها و پیشنهاداتون رو به آیدی تلگرامی @mohammad-e-m برامون بفرستید تا توی نسخه‌های بعدی، کار کامل‌تری ارائه بدیم.

فهرست مطالب

۱۰ جامعه‌شناسی دهم

۶	درس اول: کنش‌های ما
۹	درس دوم: پدیده‌های اجتماعی
۱۴	درس سوم: جهان اجتماعی
۱۸	درس چهارم: اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی
۲۲	درس پنجم: جهان‌های اجتماعی
۲۵	درس ششم: پیامدهای جهان اجتماعی
۳۰	درس هفتم: ارزیابی جهان‌های اجتماعی
۳۴	درس هشتم: هویت
۳۸	درس نهم: بازتولید هویت اجتماعی
۴۲	درس دهم: تغییرات هویت اجتماعی
۴۶	درس یازدهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)
۵۰	درس دوازدهم: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی)
۵۳	درس سیزدهم: هویت ایرانی (۱) (هویت فرهنگی ایران)
۵۷	درس چهاردهم: هویت ایرانی (۲)
۵۸	درس پانزدهم: هویت ایرانی (۳) (هویت سیاسی ایران)
۶۴	درس شانزدهم: هویت ایرانی (۴) (هویت جمعیتی و ...)

۱۱ جامعه‌شناسی یازدهم

۷۱	درس اول: جهان فرهنگی
۷۴	درس دوم: فرهنگ جهانی
۷۹	درس سوم: نمونه‌های فرهنگ جهانی (۱)
۸۵	درس چهارم: نمونه‌های فرهنگ جهانی (۲)
۸۸	درس پنجم: باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب
۹۳	درس ششم: چگونگی تکوین فرهنگ معاصر غرب
۹۸	درس هفتم: جامعه جهانی
۱۰۳	درس هشتم: تحولات نظام جهانی
۱۰۹	درس نهم: جهان دوقطبی
۱۱۴	درس دهم: جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی
۱۱۸	درس یازدهم: بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی
۱۲۲	درس دوازدهم: بحران‌های معرفتی و معنوی
۱۲۶	درس سیزدهم: سرآغاز بیداری اسلامی
۱۳۱	درس چهاردهم: انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف
۱۳۶	درس پانزدهم: افق بیداری اسلامی

۱۲ جامعه‌شناسی دوازدهم

۱۷۴	درس ششم: قدرت اجتماعی	۱۴۲	درس اول: ذخیره دانشی
۱۸۴	درس هفتم: نابرابری اجتماعی	۱۴۸	درس دوم: علوم اجتماعی
۱۹۳	درس هشتم: سیاست هویت	۱۵۴	درس سوم: نظم اجتماعی
۲۰۰	درس نهم: پیشینه علوم اجتماعی در جهان اسلام	۱۶۲	درس چهارم: کنش اجتماعی
۲۰۶	درس دهم: افق علوم اجتماعی در جهان اسلام	۱۶۸	درس پنجم: معنای زندگی

درس هفتم: نابرابری اجتماعی

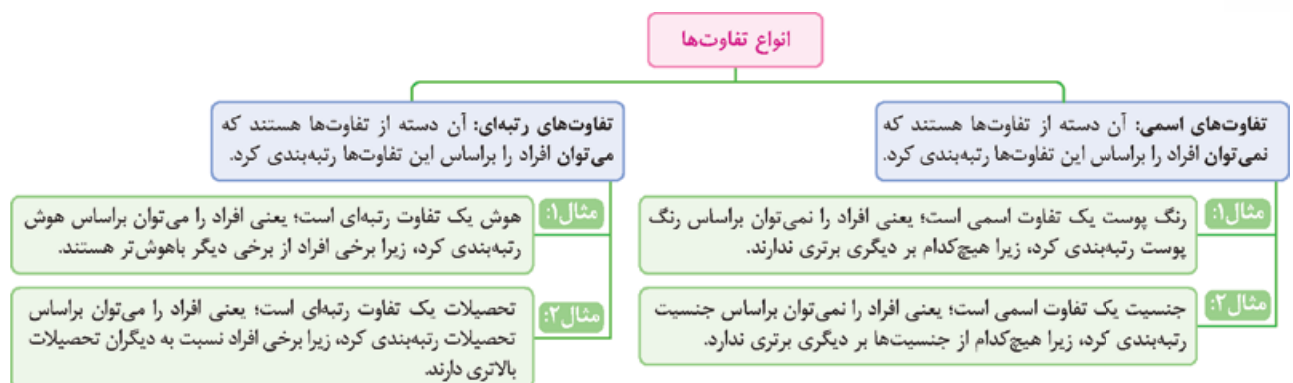
دورنما: در این درس درباره مفهوم «نابرابری اجتماعی» صحبت می‌کنیم. بخش اول درس درباره مفاهیم تفاوت و نابرابری؛ توی این بخش انواع تفاوت‌ها و نابرابری‌ها رو می‌شناسیم تا در نهایت با نابرابری‌های اجتماعی آشنا بشیم. در بخش دوم، دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسان درباره نابرابری اجتماعی رو یاد می‌گیریم و رویکردهای گوناگون در تبیین این پدیده رو بررسی می‌کنیم. از اون‌جا که در درس‌های قبل با رویکردهای تبیینی و تفسیری آشنا شدیم، در بخش سوم این درس، به سراغ رویکرد انتقادی می‌ریم؛ چراکه نقد نابرابری اجتماعی یکی از اهداف اصلی این رویکرد به شمار می‌ره.

تفاوت یا نابرابری

همه می‌دانیم که افراد از جنبه‌های مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند؛ انسان‌ها از نظر قد، وزن، جنس، رنگ پوست، توانایی جسمی و ذهنی، قدرت سیاسی، ثروت، تحصیلات، مهارت، پایگاه اجتماعی، محل سکونت، زبان، لهجه و... با هم تفاوت دارند. اما این تفاوت‌ها چه فرقی با یکدیگر دارند و در چه صورتی، نابرابری نامیده می‌شوند؟

انواع تفاوت‌ها

❖ با دقت در تفاوت‌های میان افراد، مشخص می‌شود که همه تفاوت‌ها از یک نوع نیستند؛ برخی از این تفاوت‌ها به گونه‌ای هستند که افراد را براساس آن‌ها می‌توان رتبه‌بندی کرد و برخی دیگر به گونه‌ای هستند که افراد را براساس آن‌ها نمی‌توان رتبه‌بندی کرد.

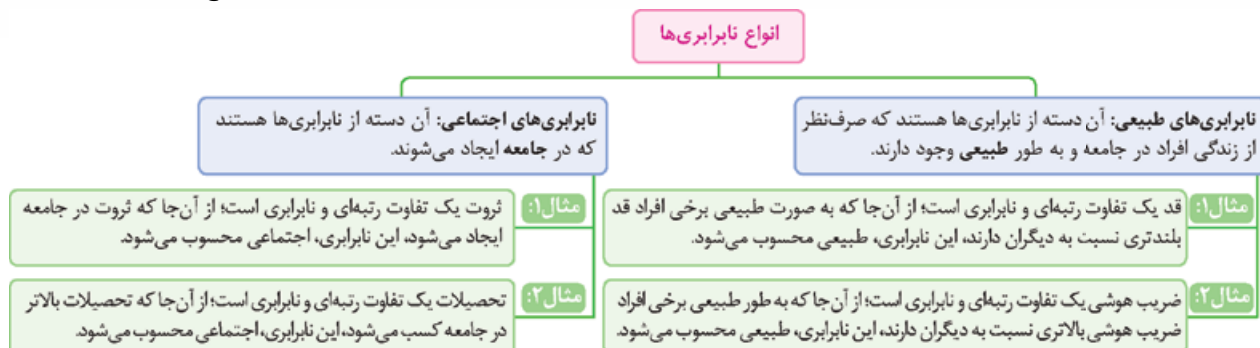


❖ به تفاوت‌های رتبه‌ای به دلیل این که انسان‌ها در این تفاوت‌ها با یکدیگر نابرابر هستند، نابرابری می‌گویند.

مثال: افرادی که دارای قد و ضریب هوشی متفاوت هستند، با هم نابرابرند؛ یا افرادی که دارای ثروت و تحصیلات متفاوت هستند، با هم نابرابرند. به این نوع تفاوت‌ها که رتبه‌ای هستند، نابرابری می‌گویند.

انواع نابرابری‌ها

خود نابرابری‌ها هم دو گونه هستند؛ برخی از آن‌ها به صورت طبیعی در افراد وجود دارند و برخی دیگر طبیعی نیستند و در اجتماع پدید می‌آیند.



چند نکته: ۱ با توجه به تقسیم‌بندی‌های بالا، تفاوت‌ها را می‌توان به سه نوع «تفاوت اسمی»، «نابرابری طبیعی» و «نابرابری اجتماعی» تقسیم کرد.

۲ میزان تلاش افراد یا موقعیت خانوادگی‌ای که در آن متولد شده‌اند، آن‌ها را از نظر رتبه نابرابر می‌سازد.

مثال: دو دانش‌آموز را در نظر بگیرید؛ یکی در خانواده‌ای ثروتمند با امکانات آموزشی مناسب و معلم خصوصی رشد کرده و دیگری در خانواده‌ای کم‌درآمد و بدون امکانات آموزشی خاص. حتی اگر هر دو تلاش کنند، موقعیت خانوادگی آن‌ها می‌تواند باعث نابرابری در موفقیت تحصیلی‌شان شود.

۳ رابطه میان تفاوت و نابرابری، عموم و خصوص مطلق است. هر نابرابری‌ای نوعی تفاوت است، اما هر تفاوتی لزوماً نابرابری نیست.

نکته ترکیبی (یادت می‌آید؟) در درس ۸ دهم دربارهٔ ابعاد هویتی انسان مطالبی را خواندیم. توجه داشته باشید که نابرابری‌های طبیعی غالباً از نوع ویژگی‌های انتسابی هستند؛ در مقابل، نابرابری‌های اجتماعی غالباً از نوع ویژگی‌های اکتسابی هستند.

دیدگاه‌های نادرست دربارهٔ تفاوت‌ها و نابرابری‌ها

دو دیدگاه نادرست دربارهٔ تفاوت‌ها و نابرابری‌ها وجود دارد که هر دوی این نگاه‌ها به خطا منجر می‌شوند:

- ۱ در طول تاریخ، بسیاری از فرهنگ‌ها و جوامع، تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی را بهانه‌ای برای نابرابری‌های اجتماعی قرار داده‌اند.
- مثال:** در برخی جوامع، به دلیل تفاوت میان دو جنس (تفاوت اسمی) یا تفاوت میان هوش افراد (نابرابری طبیعی)، فرصت‌های شغلی، آموزشی یا حقوق اجتماعی نابرابر ایجاد شده است؛ مثلاً در گذشته، در بسیاری از کشورها زنان اجازهٔ رأی‌دادن نداشتند یا افراد سیاه‌پوست از رفتن به مدارس خاص محروم بودند.



در نظام آپارتاید، تفکیک نژادی در اماکن عمومی؛ ایستگاه‌ها، ورزشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و... اجرا می‌شد.



اعتراضات زنان با پلاکاردهایی در دست برای احقاق حق رأی (لندن، ۱۹۱۱). در انگلستان، زنان در مقابل شوهر، مالک دارایی خویش نبودند. حق مالکیت، حق کار و حق رأی به تدریج و پس از دهه‌ها مبارزه، به زنان داده شد.

- ۲ عده‌ای در مخالفت با این نوع برخوردها، همهٔ تفاوت‌ها و نابرابری‌ها را از نوع نابرابری اجتماعی می‌پندارند و همهٔ نابرابری‌های اجتماعی را نیز مضر و مخرب می‌دانند.
- مثال:** برخی معتقدند که حتی تفاوت در درآمد یا سطح تحصیلات، صرف نظر از دلیل آن، ناعادلانه است و باید با سیاست‌های اجتماعی مانند آموزش رایگان یا مالیات، این نابرابری‌ها را کاهش داد.

آگاه‌گفتی: الف) نوع تفاوت (اسمی - رتبه‌ای) را در موارد زیر مشخص کنید.

- | | | | | |
|----------------|--------------------|---------------|------------------|--------------------|
| ۱- ملیت: | ۲- مهارت‌های شغلی: | ۳- دین: | ۴- توانایی جسمی: | ۵- میزان EQ: |
| ۶- زبان مادری: | ۷- میزان مطالعه: | ۸- گروه خونی: | ۹- محل تولد: | ۱۰- درآمد ماهانه: |
| ۱- دارایی: | ۲- فرصت‌های شغلی: | ۳- میزان IQ: | ۴- قدرت بدنی: | ۵- امکانات آموزشی: |

پ) در متن زیر، به کدام نوع از تفاوت‌ها و نابرابری‌ها اشاره شده است؟

«شایسته‌سالاری در جوامعی تحقق می‌یابد که اعضای آن بر این باور باشند که کاملاً براساس هوش خود به ثروت و درآمد بهتر می‌رسند و عواملی مانند جنسیت و نژاد در آن بی‌تأثیر باشد.»

پاسخ: الف) ۱- اسمی ۲- رتبه‌ای ۳- اسمی ۴- رتبه‌ای ۵- رتبه‌ای ۶- اسمی ۷- رتبه‌ای ۸- اسمی ۹- اسمی ۱۰- رتبه‌ای / ب) ۱- اجتماعی ۲- اجتماعی

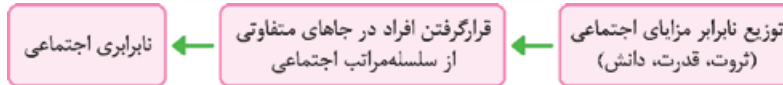
۳- طبیعی ۴- طبیعی ۵- اجتماعی / پ) هوش: نابرابری طبیعی - ثروت و درآمد: نابرابری اجتماعی - جنسیت و نژاد: تفاوت اسمی

سه رویکرد به نابرابری اجتماعی

هر سه نوع تفاوتی که توی بخش قبل بهش اشاره کردیم، می‌تونن توی جامعه‌شناسی بررسی بشن. به عبارت دیگر:

نابرابری‌های اجتماعی	از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه جامعه‌شناسان است و طبیعتاً در جامعه‌شناسی بررسی می‌شوند.
تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی	در حالت عادی در جامعه‌شناسی بررسی نمی‌شوند؛ اما در صورتی که به نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند، مورد توجه جامعه‌شناسان قرار می‌گیرند و در جامعه‌شناسی بررسی می‌شوند.

جامعه‌شناسان در مطالعه نابرابری‌های اجتماعی، به قشربندی اجتماعی در جوامع توجه دارند و می‌گویند علت نابرابری‌های اجتماعی این است که مزایای اجتماعی، یعنی ثروت، قدرت و دانش، به صورت نابرابر میان افراد توزیع شده‌اند. از این‌رو برخی افراد در بالای سلسله‌مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند و برخی دیگر در پایین آن.



برخی افراد برای دستیابی به مزایای اجتماعی راه هموارتری پیش رو دارند.

- ★ **چند نکته:** ۱ مفهوم قشربندی در جامعه‌شناسی، از زمین‌شناسی گرفته شده است و جامعه همانند زمین، دارای لایه‌بندی سلسله‌مراتبی دانسته شده است.
- ۲ گفتیم که توزیع نابرابر مزایای اجتماعی، در نهایت موجب نابرابری می‌شود؛ تصویر روبه‌رو نشان می‌دهد که برخی افراد برای دستیابی به مزایای اجتماعی، راه هموارتری پیش رو دارند (پس طبیعتاً در جاهای بهتری از سلسله‌مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند).

سؤالی که در این بخش قصد داریم به آن پاسخ دهیم این است که آیا وجود نابرابری‌های اجتماعی برای جامعه ضرورت دارد؟ یا این که برای برقراری عدالت اجتماعی باید با نابرابری اجتماعی مبارزه کنیم و همه افراد و گروه‌ها را برابر نماییم؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، رویکردهای متفاوتی وجود دارد. به طور خلاصه، به سه رویکرد درباره نابرابری اجتماعی می‌توان اشاره کرد:

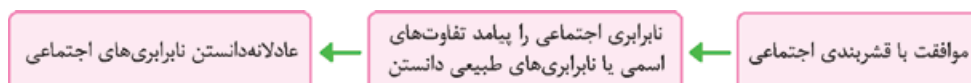
۱ برخی اندیشمندان بر این باورند که بهره‌مندی از مزایای اجتماعی باید متناسب با تلاش و توانایی افراد باشد؛ به این معنا که هر کس بیشتر تلاش کند و توانمندتر باشد، شایسته دریافت سهم بیشتری است. در مقابل، کسانی که تلاش یا توانایی کم‌تری دارند، به طور طبیعی از سهم کم‌تری برخوردار خواهند بود.	به اندیشمندان معتقد به این رویکرد، اندیشمندان لیبرالی یا موافقان قشربندی اجتماعی می‌گویند.
۲ در مقابل گروه اول، برخی اندیشمندان بر این باورند که بهره‌مندی از مزایای اجتماعی باید متناسب با نیاز افراد باشد؛ به این معنا که هر کس نیاز بیشتری دارد، باید سهم بیشتری از منابع و امکانات اجتماعی دریافت کند. در مقابل، افرادی که نیاز کم‌تری دارند، به طور طبیعی سهم کم‌تری خواهند داشت.	به اندیشمندان معتقد به این رویکرد، اندیشمندان کمونیستی یا مخالفان قشربندی اجتماعی می‌گویند.
۳ در نهایت گروهی از اندیشمندان در تلاش برای جمع بین دو رویکرد بالا هستند و معتقدند که هم تلاش و هم نیاز هر دو اهمیت دارند.	به اندیشمندان معتقد به این رویکرد، اندیشمندان طرفدار عدالت اجتماعی می‌گویند.

۱- رویکرد اول: مدل لیبرالی (رویکرد موافقان قشربندی اجتماعی)

این رویکرد، قشربندی اجتماعی را طبیعی و ضروری می‌داند و معتقد است نابرابری‌ها نتیجه تفاوت‌های افراد مانند تفاوت در تلاش و توانایی آن‌هاست؛ از سوی دیگر، این رویکرد نقش جامعه و نابرابری‌های ساختاری را نادیده می‌گیرد. در این بخش از درس، ابتدا عقاید این دیدگاه را بررسی می‌کنیم و سپس به سراغ انتقاداتی که به این رویکرد وارد شده است می‌رویم.

عقاید جامعه‌شناسان موافق قشربندی اجتماعی

- جامعه‌شناسان موافق قشربندی اجتماعی معتقدند که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد.
- مثال:** در یک شرکت بزرگ، مدیرعامل حقوق بسیار بالایی دریافت می‌کند، در حالی که کارگران ساده حقوق کم‌تری دارند. طرفداران قشربندی اجتماعی می‌گویند این نابرابری لازم و ضروری است؛ چون اگر همه حقوق یکسان بگیرند، کسی برای رسیدن به موقعیت‌های مهم تلاش نمی‌کند و نظم و کارایی سازمان از بین می‌رود.
- از نظر این اندیشمندان، نابرابری اجتماعی از تفاوت‌ها یا نابرابری‌های طبیعی ناشی می‌شود.
- مثال:** فرض کنید دو کشاورز هر کدام یک هکتار زمین دارند؛ نفر اول به خاطر توانمندی بیشتر (نابرابری طبیعی)، محصول بیشتری برداشت می‌کند و نفر دوم به دلیل ناتوانی یا تبلی، محصولی ندارد و در نتیجه، برای زنده ماندن مجبور می‌شود بخشی از زمینش را به نفر اول بدهد. تداوم این روند باعث می‌شود نفر اول ثروتمندتر و نفر دوم فقیرتر شود و در نهایت برای دیگری کار کند. این مثال نشان می‌دهد که تفاوت‌های اسمی و یا نابرابری‌های طبیعی، می‌توانند به نابرابری‌های اجتماعی منجر شوند.
- از آن‌جا که این اندیشمندان، نابرابری‌های اجتماعی را پیامد تفاوت‌های اسمی یا نابرابری‌های طبیعی می‌دانند، معتقدند که این نابرابری‌ها عادلانه‌اند.



۴ این جامعه‌شناسان، طرفدار قشربندی اجتماعی هستند و معتقدند که از گذشته تا حال، هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است؛ یعنی قشربندی پدیده‌ای است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.

مثال: همان‌طور که در دوران باستان، جامعه مصر به طبقات مختلفی مانند فرعون، کاهنان، سربازان، کشاورزان و بردگان تقسیم می‌شد؛ امروزه نیز در جوامع مدرن، قشرهایی مانند مدیران، متخصصان، کارگران و بیکاران وجود دارند. این موضوع نشان می‌دهد که در تمام دوره‌های تاریخی، نوعی قشربندی اجتماعی وجود داشته است، حتی اگر شکل و عنوان آن فرق کرده باشد.

★ **نکته:** موارد زیر، نمونه‌هایی از عملکرد موافقان قشربندی اجتماعی است:



رزا پارکس، زن سیاه‌پوست آمریکایی بود که حاضر نشده بود چای خود را در اتوبوس به یک مرد سفیدپوست بدهد و به همین علت بازداشت و جریمه شد.



در نظام فئودالی، دهقانان شبیه برده بودند؛ مالک چیزی نبودند و به فئودال تعلق داشتند.

انتقاد به جامعه‌شناسان موافق قشربندی اجتماعی

۱ **گفتیم که اندیشمندان معتقد به این رویکرد، نابرابری اجتماعی رو نتیجه تفاوت‌های اسمی و نابرابری‌های طبیعی می‌دویند؛ اما این دیدگاه درست نیست.** آن‌ها این واقعیت را نادیده می‌گیرند که نابرابری‌های اجتماعی، همیشه نتیجه نابرابری‌های طبیعی نیستند. توضیح بیشتر این که در هر جامعه‌ای، برخی از افراد در طبقه بالا و برخی دیگر در طبقه پایین متولد می‌شوند؛ یعنی نقطه شروع رقابت میان افراد، یکسان نیست. مثلاً کودکانی که در طبقه بالا متولد می‌شوند، نسبت به کودکانی که در طبقه پایین متولد می‌شوند، از امکانات آموزشی بهتری برخوردارند. در چنین شرایطی، یک نابرابری اجتماعی، مقدمه نابرابری‌های اجتماعی بعدی می‌شود؛ نه این که تفاوت یا نابرابری طبیعی باعث ایجاد نابرابری اجتماعی شود.

مثال: دو کودک را تصور کنید؛ یکی در خانواده‌ای ثروتمند به دنیا می‌آید که بهترین مدرسه، کلاس زبان، مهارت و امکانات آموزشی برایش فراهم است و دیگری در خانواده‌ای فقیر متولد می‌شود که حتی تأمین هزینه مدرسه رفتنش هم با مشکل مواجه است. سال‌ها بعد، کودک اول وارد دانشگاه معتبر و شغل عالی می‌شود، در حالی که کودک دوم شاید حتی نتواند دبیرستان را تمام کند. در این‌جا، نابرابری اجتماعی حاصل تفاوت طبیعی در هوش یا تلاش نیست، بلکه نتیجه تفاوت در طبقه اجتماعی است؛ یعنی یک نابرابری اجتماعی، علت یک نابرابری اجتماعی دیگر شده است.

۲ طرفداران قشربندی با طبیعی دانستن قشربندی اجتماعی، نقش انسان‌ها و جوامع را در پدید آمدن و ادامه یافتن آن نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌دانند.

۳ این اندیشمندان، با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کنند.

۴ با این که طرفداران قشربندی اجتماعی، رقابت را در زندگی اجتماعی ضروری می‌دانند، اما از این نکته مهم غفلت می‌کنند که در رقابت عادلانه باید نقطه شروع رقابت یکسان باشد.

📌 **نکته ترکیبی (یادت میاد؟)** با نظریات اندیشمندان اقتصاد لیبرال، در درس ۹ یازدهم هم آشنا شدیم. این اندیشمندان، معتقد به رقابت و بازار آزاد هستند.

۲- رویکرد دوم: مدل کمونیستی (رویکرد مخالفان قشربندی اجتماعی)

این رویکرد، دقیقاً نقطه مقابل رویکرد اول قرار می‌گیرد. مخالفان قشربندی اجتماعی معتقدند نابرابری ناشی از سلطه و مالکیت خصوصی است، نه تفاوت‌های طبیعی؛ بنابراین برای برقراری عدالت باید مالکیت خصوصی را حذف کرد تا همه در شرایط برابر رقابت کنند. اما این اعتقاد آن‌ها ممکن است انگیزه تلاش را از بین ببرد. در این بخش از درس، ابتدا عقاید این دیدگاه را بررسی می‌کنیم و سپس به سراغ انتقاداتی که به این رویکرد وارد شده است می‌رویم.

عقاید جامعه‌شناسان مخالف قشربندی اجتماعی

۱ اندیشمندان اجتماعی که مخالف قشربندی اجتماعی هستند، معتقدند که نابرابری‌های اجتماعی، ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌هاست و باید با آن مبارزه کرد.

مثال: در نظام برده‌داری، بردگان نه به خاطر ناتوانی یا تنبلی، بلکه صرفاً به دلیل موقعیت اجتماعی‌ای که در آن متولد شده‌اند، از حقوق انسانی و اجتماعی محروم هستند. در این نظام، اربابان از طریق سلطه، بردگان را مجبور به کار می‌کردند و ثروت حاصل از زحمت آن‌ها را خود بهره‌برداری می‌کردند. در این مثال، نابرابری اجتماعی نه به دلیل تفاوت‌های طبیعی، بلکه از طریق یک رابطه سلطه‌جویانه شکل گرفته است.

۲ این اندیشمندان، عدالت اقتصادی - اجتماعی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت، عدالت برقرار خواهد شد.

📌 **نکته ترکیبی (یادت میاد؟)** در درس ۹ یازدهم با رویکرد کمونیستی آشنا شدیم. یاد گرفتیم که کمونیسم، جامعه آرمانی مارکس است. این رویکرد، عدالت را شعار و هدف خود قرار داده بود، اما با دو مشکل مواجه شد: ۱ از بین رفتن آزادی‌های دنیوی و معنوی افراد، ۲ پیدایش طبقه‌ای جدید بر مدار قدرت.

۳ از نظر آنان، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است؛ بنابراین برای ایجاد برابری، باید مالکیت خصوصی را از میان برداشت. مخالفان قشربندی گمان می‌کنند اگر مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر طبقه پایین نخواهیم داشت و بدین ترتیب، همگان شرایطی یکسان خواهند داشت.

مثال: فرض کنید در یک روستا، چند نفر بیشتر زمین‌های کشاورزی را در اختیار دارند و بقیه مردم یا زمین ندارند یا فقط قطعه کوچکی دارند. کسانی که مالک زمین هستند، محصولات بیشتری تولید می‌کنند و ثروتمند می‌شوند، در حالی که دیگران مجبورند برای امرار معاش، در زمین‌های آن‌ها کار کنند و مزد ناچیزی بگیرند. در این وضعیت، مالکیت زمین (به عنوان یک شکل از مالکیت خصوصی) باعث می‌شود عده‌ای در موقعیت برتر قرار بگیرند و بقیه وابسته و ضعیف باقی بمانند. مخالفان قشربندی اجتماعی می‌گویند اگر این زمین‌ها به طور مساوی بین همه تقسیم شود و مالکیت خصوصی از بین برود، دیگر کسی در موقعیت پایین قرار نمی‌گیرد و همه در شرایطی برابر زندگی خواهند کرد.

نکته: در جوامع سوسیالیستی، مالکیت خصوصی وسایل تولید وجود نداشت. به عبارت دیگر، در این جوامع، افراد عادی اجازه نداشتند وسایل تولید مثل کارخانه، زمین‌های بزرگ کشاورزی یا ماشین‌آلات صنعتی را به صورت شخصی و خصوصی مالک باشند. در این نظام‌ها، مالک این وسایل دولت یا جامعه بود و هدف آن بود که تولید و سود حاصل از آن به صورت برابر میان همه تقسیم شود.



۴ از نظر آنان، قشربندی اجتماعی توسط انسان‌ها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست خود آن‌هاست.

۵ تأکید آنان بر معایب قشربندی نشان می‌دهد که خواهان از میان برداشتن قشربندی هستند.

انتقاد به جامعه‌شناسان مخالف قشربندی اجتماعی

۱ گفتیم که در این رویکرد، با مالکیت فصولی مخالفت می‌شود و سعی دارند این نوع مالکیت رو حذف کنند، یعنی سعی دارند مالکیت رو بسیار دست دولت؛ اما حذف مالکیت خصوصی راه حل مناسبی برای برقراری عدالت در جامعه نیست و آثار منفی زیادی دارد. با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود تلاش و شایستگی افراد کوشا و توانمند نادیده گرفته شود.

۲ در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود (یعنی همگان در شرایط برابر قرار می‌گیرند)؛ اما به دلیل این که انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد. یعنی چون طبق این رویکرد هر چه قدر تلاش کنیم، آفرش با بقیه برابر هستیم، پس افراد دیگه دست از تلاش برمی‌دارن.



نکته: عدالت لزوماً به معنای برابری مطلق نیست؛ یعنی لازم نیست همه به یک اندازه از همه چیز برخوردار باشند، بلکه هرکس باید به اندازه نیاز، تلاش یا شایستگی‌اش بهره‌مند شود.

جمع‌بندی مقایسه رویکردهای لیبرالی و کمونیستی نسبت به مفهوم نابرابری اجتماعی:

رویکرد لیبرالی	رویکرد کمونیستی
موافق قشربندی اجتماعی است.	مخالف قشربندی اجتماعی است.
نابرابری‌های اجتماعی را ضروری و عادلانه می‌داند.	نابرابری‌های اجتماعی را غیرضروری و ناعادلانه می‌داند.
نابرابری‌های اجتماعی را نتیجه تفاوت‌های اسی و نابرابری‌های طبیعی می‌داند.	نابرابری‌های اجتماعی را نتیجه روابط سلطه‌جویانه میان انسان‌ها می‌داند.
قشربندی امری طبیعی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است.	قشربندی امری طبیعی نیست.
نقش انسان‌ها و جوامع را در پدید آمدن و ادامه یافتن قشربندی نادیده می‌گیرد و تغییر در آن را چندان امکان‌پذیر نمی‌داند.	معتقد است قشربندی اجتماعی توسط انسان‌ها پدید آمده و تداوم یا تغییر آن نیز به دست خود آن‌هاست.
با تأکید بر کارکردهای قشربندی، آن را تأیید و تثبیت می‌کند.	با تأکید بر معایب قشربندی، خواهان از میان برداشتن آن است.
مالکیت خصوصی را لازم و ضروری می‌داند.	به دنبال حذف مالکیت خصوصی است.
نقطه شروع رقابت عادلانه نیست.	نقطه پایان رقابت عادلانه نیست.
کلیدواژه‌ها: آزادی، رقابت، توانایی و شایستگی	کلیدواژه‌ها: عدالت، برابری و نیاز

★ **چند نکته:** ۱ در بخش اول درس، دو دیدگاه نادرست درباره تفاوت‌ها و نابرابری‌ها ذکر کردیم. مورد اول مربوط به رویکرد لیبرالی و مورد دوم مربوط به رویکرد کمونیستی است.

۲ رویکردهای لیبرالی و کمونیستی، درباره «تعیین دستمزد افراد» و «تعیین قیمت کار آن‌ها» با یکدیگر اختلاف دارند؛ فرض کنید مدیران یک شرکت تولیدی، درباره این موارد اختلاف نظر دارند:

ملک‌ها رویکردها	تعیین دستمزد کارکنان	تعیین قیمت کارکنان
اندیشمندان لیبرال	- پیشنهاد می‌کنند به هر کسی به اندازه‌ای که شایستگی دارد، دستمزد پرداخت شود. - این عده، تفاوت‌های افراد مانند توان جسمی و ذهنی، انگیزه و مهارت را برجسته می‌کنند، رقابت میان افراد برای تولید بیشتر را ضروری می‌دانند و افراد و گروه‌های «توانگر» را در اولویت قرار می‌دهند.	معتقدند بازار، همان‌طور که قیمت کالاها را براساس قانون عرضه و تقاضا تعیین می‌کند، می‌تواند قیمت کار افراد را نیز بر همین اساس مشخص نماید.
اندیشمندان کمونیست	- پیشنهاد می‌کنند از هر کس به اندازه‌ای که بتواند کار بخواهیم، اما به اندازه نیازش به او دستمزد بدهیم. - این عده شباهت‌های افراد مانند هم‌نوع، هم‌وطن و همکار بودن را برجسته می‌کنند و بر آن تأکید می‌نمایند، ولی افراد و گروه‌های «کم‌توان» را در اولویت قرار می‌دهند.	معتقدند بازار نمی‌تواند ارزش واقعی کالاها و کار افراد را مشخص کند. به همین دلیل، این گروه دخالت دولت برای کنترل بازار را لازم می‌دانند.

۳- رویکرد سوم: مدل عدالت اجتماعی

این رویکرد، حد وسط رویکردهای قبلی است؛ یعنی تلاش می‌کند هم رقابت را برقرار سازد و هم تا حد ممکن نیاز انسان‌ها را برطرف کند. در این بخش از درس، ابتدا انتقادات این رویکرد نسبت به رویکردهای قبلی را بررسی می‌کنیم و سپس به سراغ عقاید این دیدگاه می‌رویم.

انتقادات این رویکرد نسبت به رویکردهای قبلی

♦ طرفداران عدالت اجتماعی معتقدند هیچ‌کدام از دو رویکرد قبل، عادلانه نیستند؛

مدل لیبرالی عادلانه نیست؛ زیرا:	این واقعیت را نادیده می‌گیرد که افرادی که در طبقه اجتماعی پایین متولد می‌شوند، حتی با داشتن شایستگی و تلاش برابر، به سادگی امکان رقابت با افرادی را که در طبقه اجتماعی بالا متولد می‌شوند، ندارند. (در رویکرد نخست، نقطه آغاز رقابت عادلانه نیست.)
مدل کمونیستی عادلانه نیست؛ زیرا:	در این رویکرد، افراد توانمند و کوشا به اندازه استحقاقی که دارند، از مزایای اجتماعی برخوردار نمی‌شوند. (در رویکرد دوم، نقطه پایان رقابت عادلانه نیست.)

♦ با توجه به موارد بالا، هر دو رویکرد به دلیل ناعادلانه بودن، با فطرت انسانی سازگار نیستند و در نتیجه به شکست می‌انجامند.

عقاید جامعه‌شناسان معتقد به عدالت اجتماعی

۱ در رویکرد عادلانه، مالکیت خصوصی لغو نمی‌شود؛ اما جامعه وظیفه دارد امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید. بدین منظور، دولت به نمایندگی از جامعه موظف است نیازهای ضروری همه افراد مانند خوراک، پوشاک و مسکن را تأمین کند. بدین ترتیب، همه کودکان از امکانات اولیه برای پیشرفت بهره‌مند می‌شوند و می‌توانند براساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت نمایند.

۲ دولت تلاش می‌کند برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی، تدابیر بیشتری ببیند؛ مثلاً از ثروتمندان مالیات بگیرد و از آن برای رفع فقر در جامعه استفاده کند. موارد زیر، نمونه‌هایی از تدابیر دولت‌ها برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی است:



طرح خانه‌سازی عمومی برای
اقتدار کم‌درآمد در برزیل



دولت‌ها برای حمایت از اقشار کم‌درآمد آن‌ها را
زیر چتر حمایت بیمه‌های اجتماعی قرار می‌دهند.



مالیات ابزاری برای کاهش
فاصله طبقاتی است.

★ **نکته:** جوامع مختلف برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی، راهکارها و راه‌حل‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند، از جمله: گرفتن مالیات از اقشار برخوردار و پرداخت یارانه به اقشار کم‌برخوردار. این راه‌حل‌ها در ایران نیز اجرا شده‌اند و تا حدی مؤثر بوده‌اند، اما به دلیل ضعف در اجرای عادلانه و هدفمند، نابرابری‌های اجتماعی هم‌چنان پابرجاست.

۳ این رویکرد نه با رهاسازی مطلق (مانند آن‌چه در رویکرد لیبرالی وجود دارد) موافق است و نه با کنترل مطلق (مانند آن‌چه در رویکرد کمونیستی وجود دارد)؛ یعنی نه اجرای عدالت را به دست نامرئی بازار می‌سپارد و نه دخالت همه‌جانبه دولت را می‌پذیرد.

۴ طرفداران این رویکرد به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند، اما به بهانه عدالت اجتماعی، آزادی‌های افراد و امکان رقابت میان آن‌ها را از بین نمی‌برند. (برخلاف رویکرد کمونیستی)

★ **نکته:** رویکرد دوم معتقد به عدالت اقتصادی است و رویکرد سوم به عدالت اجتماعی اعتقاد دارد.

مقایسه رویکردهای مختلف نسبت به نابرابری اجتماعی



به شکل‌های مقابل توجه کنید. اگر مثلث را نماد یک جامعه دارای قشربندی بدانیم (که در آن بیشتر مردم در پایین و تعداد کمی در بالا هستند) و مستطیل را نماد جامعه‌ای بدون قشربندی محسوب کنیم (که همه در سطحی برابر از رفاه قرار دارند)، می‌توان سه مدلی که قبلاً خواندیم را این‌گونه خلاصه کرد:

- ۱ **مدل لیبرالی:** جامعه‌ای کاملاً قشربندی‌شده است. افراد برای رسیدن به جایگاه‌های بالاتر رقابت می‌کنند و هر کس به اندازه تلاش و توان خود بهره‌مند می‌شود؛ اما در عمل، این مدل به نفع قوی‌ترهاست و ممکن است حق ضعیف‌ها پایمال شود.
- ۲ **مدل کمونیستی:** هیچ قشربندی‌ای وجود ندارد. دولت مالکیت خصوصی را حذف کرده و همه دارایی‌ها را به صورت مساوی بین مردم توزیع می‌کند، بدون توجه به میزان تلاش یا توان افراد؛ در نتیجه، انگیزه رقابت و پیشرفت از بین می‌رود.
- ۳ **مدل عدالت اجتماعی:** ترکیبی از دو مدل قبلی است. دولت نیازهای اولیه همه مردم را تأمین می‌کند (مثل کمونیسم)، اما امکان رقابت و پیشرفت بیشتر را هم برای افراد فراهم می‌کند (مثل لیبرالیسم)؛ به همین دلیل، نماد این مدل، ترکیبی از مثلث و مستطیل است.

❓ **اگر گفتی:** الف) دو معلم در رابطه با «نابرابری‌های اجتماعی» در کلاس مباحثی را مطرح کردند؛ به ترتیب، هر یک از آرای ارائه‌شده متعلق به کدام معلم با چه دیدگاهی است؟

- ۱- دولت‌ها باید افراد کم‌درآمد را زیر چتر حمایت بیمه‌های اجتماعی قرار دهند.
 - ۲- افراد براساس توانایی و شایستگی خود با دیگران رقابت نمایند.
 - ۳- در نظام فئودالی، دهقانان شبیه برده بودند، مالک چیزی نبودند و به فئودال تعلق داشتند.
 - ۴- برقراری عدالت، با توزیع برابر ثروت امکان‌پذیر است.
- ب) در ارتباط با رویکردهای مختلف نسبت به نابرابری، هر یک از موارد سمت راست با کدام‌یک از موارد سمت چپ مرتبط است؟
- ۱- اشتراک رویکردهای لیبرالی و عدالت اجتماعی
 - ۲- اختلاف رویکرد کمونیستی با رویکرد عدالت اجتماعی
 - ۳- انتقاد رویکرد عدالت اجتماعی به رویکرد لیبرالی
- الف) عدم امکان رقابت افراد متولدشده در طبقه اجتماعی پایین
ب) اهمیت داشتن عدالت اقتصادی به جای عدالت اجتماعی
پ) لغونکردن مالکیت خصوصی

✓ **پاسخ:** الف) ۱- رویکرد سوم (عدالت اجتماعی) ۲- رویکرد اول (لیبرالی) ۳- رویکرد اول (لیبرالی) ۴- رویکرد دوم (کمونیستی) / ب) ۱- پ ۲- ب ۳- الف

جامعه‌شناسی انتقادی

❖ با مفهوم نابرابری اجتماعی و نظریات مرتبط با آن آشنا شدیم. این مفهوم، یکی از مفاهیم کلیدی در جامعه‌شناسی انتقادی است؛ در واقع جامعه‌شناسی انتقادی سعی دارد که نابرابری اجتماعی را نقد کند و برای اصلاح آن، راهکارهایی ارائه دهد. با ذکر این مقدمه، به سراغ بررسی رویکرد انتقادی می‌رویم.

❖ برای درک بهتر جامعه‌شناسی انتقادی، مطالب این بخش از کتاب درسی را به چهار قسمت تقسیم کرده‌ایم: ۱) در بخش اول درس از پیوند دانش و ارزش و شکل‌گیری دانش انتقادی صحبت می‌کنیم. ۲) بخش دوم به بررسی مفاهیم کنش اجتماعی و ساختار اجتماعی اختصاص دارد؛ رویکرد انتقادی هم به نقش فعال انسان‌ها در ساخت جامعه توجه دارد و هم به تأثیر ساختارها بر زندگی آن‌ها. ۳) در بخش سوم به سراغ یکی از اصلی‌ترین کارکردهای جامعه‌شناسی انتقادی یعنی نقد سلطه می‌رویم. ۴) در پایان نیز، توانایی‌ها و محدودیت‌های این رویکرد در نقد وضعیت‌های ناعادلانه را ارزیابی می‌کنیم.

پیوند دانش و ارزش و شکل‌گیری دانش انتقادی

❖ در پایان درس قبل گفتیم که جامعه‌شناسان انتقادی معتقدن رویکردهای تبیینی و تفسیری محافظه‌کار هستن و انسان‌ها رو در برابر وضعیت موجود منفعل و مپور می‌کنن. اما دلیل این ادعای رویکرد انتقادی چیست؟

کار دآوری درباره ارزش‌ها خارج از قلمرو علوم اجتماعی قرار گرفت و غیرعلمی قلمداد شد.

با غلبه رویکرد تبیینی: انتقاد از وضعیت موجود و تجویز راه‌حل برای بهترشدن آن کار علم قلمداد نمی‌شد.

مسئله «جدایی دانش و ارزش» مطرح شد؛ یعنی دانش و ارزش دو قلمرو متمایز و متقابل دارند؛ دانش، قلمرو تبیین و ارزش، قلمرو تفسیر معرفی می‌شد.

دانش	قلمرو تبیین	کشف و بازخوانی «واقعیت‌ها»
ارزش	قلمرو تفسیر	خلق و بازسازی «ارزش‌ها»

با غلبه رویکرد تفسیری: رویکرد تبیینی به حاشیه رفت و راه برای بازگشت دعاوی انتقادی و تجویزی به علوم اجتماعی باز شد.

این بار از «پیوند دانش و ارزش» سخن به میان می‌آید و «دانش انتقادی» شکل می‌گیرد. دانش انتقادی، دانشی است که از وضعیت موجود انتقاد می‌کند و می‌خواهد برای عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب، راه‌حل ارائه کند. بدین ترتیب، از درون رویکرد تفسیری، نوع جدیدی از جامعه‌شناسی به نام «جامعه‌شناسی انتقادی» پدید آمد.

نکته: موارد زیر، نمونه‌هایی از کارکردهای دانش انتقادی در نقد پدیده‌های اجتماعی است:



دههٔ شصت میلادی عصر اعتراض سیاه‌پوستان، سر بر کشیدن دوبارهٔ جنبش زنان، جنبش دانشجویی و جنبش ضد جنگ ویتنام بود.

❖ رویکرد جامعه‌شناسی انتقادی ویژگی‌هایی به شرح زیر دارد:

❶ به توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی بسنده نمی‌کند بلکه به داوری ارزشی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد و آن را با ملاک‌های ارزشی (خوب و بد) و هنجاری (باید و نباید) ارزیابی می‌کند. یعنی هم کارکرد رویکرد تبیینی (یعنی تبیین) و رویکرد تفسیری (یعنی توصیف) رو شامل می‌شود؛ هم کارکرد اقتصادی فودش (یعنی انتقاد و داوری) رو دارد.

مثال: رویکرد انتقادی صرفاً به توصیف و تبیین تبعیض نژادی در جوامع نمی‌پردازد، بلکه آن را تقبیح و از آن انتقاد می‌کند و یا عدالت اجتماعی را تحسین می‌کند و برای گسترش آن راه‌حلهایی تجویز می‌کند.

❷ جامعه‌شناسی انتقادی، علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی‌کند و تلاش می‌کند از محدودیت‌های علم تجربی رها شود تا بتواند چنین معیارهایی را (برای داوری کردن) جست‌وجو کند.

❸ مهم‌ترین هدف جامعه‌شناسی انتقادی، نقد وضعیت موجود جهان اجتماعی و تجویز راه‌حلهایی برای رسیدن به یک وضعیت بهتر است. فاصلهٔ میان وضع موجود و وضع مطلوب جهان اجتماعی، جامعه‌شناسی را به داوری دربارهٔ ارزش‌ها و انتقاد از آن‌ها می‌کشاند.

❹ جامعه‌شناسان انتقادی برای داوری و انتقاد، به معیارهای علمی نیاز دارند تا براساس آن وضعیت موجود را ارزیابی کنند، تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم کنند و راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را پیشنهاد دهند.



کنش اجتماعی و ساختار اجتماعی در رویکرد انتقادی

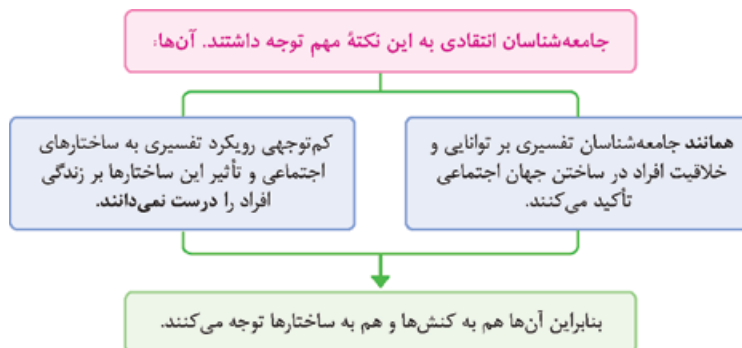
❖ زندگی اجتماعی انسان، دو وجه دارد: ❶ از سویی افراد در زندگی گروهی خود با یکدیگر، جهان اجتماعی و ساختارهای آن را می‌سازند. ❷ از سوی دیگر، هر جهان اجتماعی الزام‌ها و پیامدهایی دارد که زندگی انسان‌ها را متأثر می‌سازد.

مثال: افراد قانون می‌سازند (ساخت جهان اجتماعی)، اما پس از آن باید از قانون تبعیت کنند (تأثیر ساختار بر افراد).

نکته ترکیبی (یادت می‌آید؟) در درس ۶ دهم هم مطلبی مشابه همین مطلب خواندیم: تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و به دنبال آن، برداشته‌شدن الزام‌هایش، جهان اجتماعی جدیدی شکل می‌گیرد و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد.

❖ همواره این امکان وجود دارد که یکی از این دو وجه زندگی اجتماعی بیشتر مورد توجه و تأکید قرار گیرد و وجه دیگر آن نادیده گرفته شود؛ یعنی گاهی نظام اجتماعی و ساختارهای آن و گاهی کنش‌های اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرند. برجسته کردن یک وجه زندگی اجتماعی و تأکید بر آن و نادیده گرفتن وجه دیگر، می‌تواند آثار و پیامدهای نامطلوبی برای زندگی اجتماعی به وجود بیاورد.

مثال: در یک مدرسه، اگر فقط به خواسته‌ها و علاقه‌های دانش‌آموزان (کنش‌ها) توجه شود و مقررات و نظم مدرسه (ساختار) نادیده گرفته شود، ممکن است بی‌نظمی و کاهش کیفیت آموزش به وجود آید. در مقابل، اگر فقط روی مقررات (ساختار) تمرکز شود و خواسته‌های دانش‌آموزان (کنش‌ها) نادیده گرفته شود، ممکن است پیامد آن نارضایتی و افت تحصیلی باشد.



نقد سلطه

- جامعه‌شناسان انتقادی به نقد سلطه در روابط و مناسبات میان افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها می‌پردازند. آن‌ها معتقدند به دو دلیل باید به نقد سلطه پرداخت:
 - ۱ گاهی جهان اجتماعی و ساختارهای آن که به دست خود انسان‌ها ایجاد شده‌اند، سازندگان خود را زیر سلطه درمی‌آورند (یعنی بر انسان‌ها مسلط می‌شوند). بی‌توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آن‌ها، به معنای چشم‌پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آن‌هاست؛ زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی را ناممکن می‌سازد و در نتیجه، امکان کنترل آثار مخرب آن‌ها از دست می‌رود.
 - ۲ مهم‌تر این که گاهی معناها، ارزش‌ها و ساختارهایی که گروه یا قومی می‌سازند، گروه یا قوم دیگری را زیر سلطه خود درمی‌آورد و سرکوب می‌کند.
- بنابراین جامعه‌شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تأکید می‌کنند تا:
 - اولاً از سلطه چنین ساختارهایی بر انسان‌ها پیشگیری کنند.
 - ثانیاً زمینه شکل‌گیری ساختارهای اجتماعی انسانی‌تر را فراهم آورند.

نکته: در گذشته و قبل از هوان متیور، اعتقاد بر این بود که، «حقیقت وجود دارد، می‌توانیم اون رو بشناسیم و باید بهوش پایبند باشیم». به عبارت دیگر: اولاً، حقایق و ارزش‌هایی فراتر از انسان وجود دارد که هستی آن‌ها وابسته به انسان نیست؛ یعنی این حقایق ساخته و پرداخته ذهن‌ها و فرهنگ‌های بشری نیستند که از جایی به جایی و از زمانی به زمانی دیگر تغییر کنند. ثانیاً، انسان امکان شناخت و دریافت این حقایق را دارد و باید برای دسترسی به آن‌ها تلاش کند. البته انسان‌ها پس از شناخت این ارزش‌ها ممکن است زندگی خود را براساس آن‌ها تنظیم کنند یا برخلاف آن‌ها عمل کنند. ثالثاً، انسان در شناخت صحیح این حقایق و ارزش‌ها ممکن است دچار خطا و اشتباه شود، ولی هرگز به سبب اشتباهات احتمالی خود از شناخت این حقایق دست نمی‌کشد.

اما در جامعه‌شناسی انتقادی بر این‌که: «ممکنه حقیقت مطلق نباشه، اما باید معیارهایی بسازیم تا بهتر زندگی کنیم». به عبارت دیگر: اکنون، در زمانه و زمینه جهان متجدد، جامعه‌شناسی انتقادی بدون پذیرش این اصول سه‌گانه، در جست‌وجوی ملاک‌ها و معیارهایی است تا براساس آن‌ها بتواند به نقد و ارزیابی زندگی اجتماعی انسان‌ها بپردازد و با شناسایی وضع مطلوب بشر، برای عبور از وضع موجود به وضع مطلوب راهی نشان دهد.



جامعه‌شناسان انتقادی بر این گفته مارکس که «فلسوفان تاکنون جهان را فقط تفسیر کرده‌اند اما مسئله تغییر آن است» تأکید کردند و این تغییر را مستلزم نقد ساختارهایی دانستند که خود محصول کنش‌ها هستند، اما بر کنشگر سلطه می‌یابند.



جامعه‌شناسان انتقادی بر این باورند که سلطه فقط اقتصادی یا سیاسی نیست بلکه در سطح معناها هم رخ می‌دهد. طبقه مسلط با تحمیل معناهای خود، جهان اجتماعی را مطابق منافعش بازتولید می‌کند.

ارزیابی دستاوردهای جامعه‌شناسی انتقادی

- جامعه‌شناسی انتقادی مثل هر رویکرد دیگری، به سری مزایا و به سری معایب دارد. به طور کلی، جامعه‌شناسی انتقادی ملایکی برای تشفی درستی یا نادرستی ارائه نمی‌ده (معایب)؛ ولی سلطه و سرکوب رو نقد می‌کنه (مزایا). یعنی نمی‌گه کدوم فرهنگ «درسته» و توی این زمینه ملایکی برای ارائه ندازه؛ ولی وقتی اراده یک فرد یا گروه سرکوب یا تمیل بشه، از اون انتقاد می‌کنه.
- جامعه‌شناسی انتقادی با پذیرش رویکرد تفسیری معتقد است که تمام معانی و ارزش‌ها ساخته و پرداخته اراده‌های افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌هاست. هر فرد، گروه و فرهنگی اراده خاص خود را دارد و معانی و ارزش‌های ویژه خود را خلق می‌کند که:
 - (الف) هیچ‌کدام بهتر یا بدتر از دیگری نیستند. (ب) یا هیچ‌کدام درست یا غلط و حق یا باطل نیستند.
- گفتیم که رویکرد انتقادی به دنبال ملایکی‌هایی فراتر از ملایک‌های رویکردهای تبیینی و تفسیری بوده؛ اما رویکرد انتقادی هیچ‌گونه حقیقت یا فضیلتی را کشف نمی‌کند تا براساس این حقایق و فضایل به نقد کنش‌ها و روابط میان انسان‌ها و جوامع بپردازد. بلکه برای دفاع از اراده افراد، گروه‌ها و فرهنگ‌ها معتقد است که:
 - (الف) نباید اراده فرد یا گروهی بر فرد یا گروه دیگری تحمیل شود. (ب) یا فرهنگی از گستره جغرافیایی و محدوده تاریخی خود فراتر رود و بر فرهنگ دیگری اعمال سلطه کند.

چند نکته: ۱ در این درس، دو نقطه اشتراک رویکردهای انتقادی و تفسیری را بررسی کردیم:

- اولاً هر دو رویکرد بر توانایی و خلاقیت انسان در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کنند.
- ثانیاً هر دو رویکرد تمامی معانی و ارزش‌ها را ساخته اراده افراد، گروه و فرهنگ‌ها می‌دانند.
- ۲ گفتیم که جامعه‌شناسی انتقادی دنبال نفعه، اما نمی‌تونه از حقیقت یا فضیلت مطلق حرف بزنه. یکی از اون فضیلت‌ها که درباره‌ش اختلاف نظر هست، عدالت. اگر چه عدالت همواره مورد توجه و علاقه انسان‌ها بوده است، ولی برای همه دیدگاه‌هایی که درباره آن سخن می‌گویند، اهمیت یکسانی ندارد:

عدالت را اساسی‌ترین ارزش یا یکی از اساس‌ترین ارزش‌ها می‌دانند.	برخی دیدگاه‌ها
قانون اساسی کشور ما از این دیدگاه پیروی کرده!	
به عدالت به این دلیل اهمیت می‌دهند که وسیله‌ای برای تحقق ارزش‌های دیگر است.	برخی دیدگاه‌ها
مثلاً عدالت رو مقدمه دستیابی به رفاه مادی یا آزادی می‌دونن!	

؟ **اگر گفتی:** الف) درستی یا نادرستی عبارتهای زیر درباره رویکرد انتقادی را مشخص کنید.

- ۱- با حذف وجه ساختاری زندگی اجتماعی، تنها بر کنشهای فردی و اراده کنشگران تمرکز می کند.
- ۲- با عبور از مرزهای علم تجربی، به پیوند میان دانش و ارزش باور دارد و هدف آن، نقد وضعیت موجود و ارائه راهحلهایی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است.
- ۳- یکی از دستاوردهای آن، کشف حقیقتی جهانشمول برای تمام فرهنگهاست که بتواند مبنای داوری ارزشی قرار گیرد.
- ۴- برای ارزیابی وضعیت موجود، به جدایی دانش از ارزش پایبند نیست و بر پیوند میان شناخت علمی و داوری ارزشی تأکید دارد تا بتواند راهی برای گذار به وضع مطلوب ارائه دهد.

ب) از بین موارد زیر، کدام موارد از اشتراکات رویکردهای تفسیری و انتقادی است؟

- ۱- نادرست دانستن کم توجهی به ساختارهای اجتماعی و تأثیر این ساختارها بر زندگی افراد
- ۲- اعتقاد به ساخته شدن تمام معانی و ارزشها از طریق ارادههای افراد، گروهها و فرهنگها
- ۳- تأکید بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی
- ۴- منفعل و مجبور ساختن انسانها در پذیرش وضعیت موجود

✓ **پاسخ:** الف) ۱- نادرست (جامعهشناسی انتقادی نسبت به کم توجهی رویکرد تفسیری به ساختارها انتقاد دارد). ۲- درست ۳- نادرست (جامعهشناسی انتقادی حقیقت مطلق یا جهانشمول را کشف نمی کند، بلکه با احترام به تنوع فرهنگها از سلطه انتقاد می کند). ۴- درست / ب) موارد (۲) و (۳) از اشتراکات رویکردهای تفسیری و انتقادی است. موارد (۱) و (۴) از انتقادات رویکرد انتقادی نسبت به رویکرد تفسیری است.

مقایسه رویکردهای تبیینی، تفسیری و انتقادی

تا این جا با سه رویکرد اصلی در جامعهشناسی آشنا شدیم: رویکرد تبیینی، رویکرد تفسیری و رویکرد انتقادی. در این بخش، برای جمع بندی و درک بهتر، این سه رویکرد را از سه جنبه با یکدیگر مقایسه و بررسی می کنیم.

❶ هر یک از این سه رویکرد، موضوع، روش و هدف متفاوتی دارد: (البته این جدول در فعالیت کتاب درسی در درس ۸ آمده است.)

جامعهشناسی تبیینی	جامعهشناسی تفسیری	جامعهشناسی انتقادی
چه چیز را مطالعه می کند؟ (موضوع)	جامعه و پدیدههای اجتماعی	کنشهای اجتماعی و «پیامدها»ی آنها
چگونه مطالعه می کند؟ (روش)	حس و تجربه (نگاه از بیرون)	تفسیر (نگاه از درون به پدیدهها برای یافتن معنای آنها)
به دنبال چیست؟ (هدف)	قدرت پیش بینی، پیشگیری و کنترل جامعه از طریق شناخت نظم اجتماعی	معنابخشی و انسجام بخشی به زندگی اجتماعی
	انتقاد از وضع موجود، تجویز وضع مطلوب و ارائه پیشنهاد و راه حل برای رسیدن به آن	

❷ مطالب اصلی این سه رویکرد، به ترتیب در درسهای ۳، ۵ و ۷ کتاب دوازدهم آمده است. اسم این درسها، کاملاً با محتوا و مفاهیم کلیدی این رویکردها منطبق است:

درس ۳	نظم اجتماعی	مرتبط با رویکرد تبیینی
درس ۵	معنای زندگی	مرتبط با رویکرد تفسیری
درس ۷	نابرابری اجتماعی	مرتبط با رویکرد انتقادی

❸ در قسمت «سخنی با دانش آموز» در ابتدای کتاب دوازدهم، مطالبی درباره رویکردهای سه گانه جامعهشناسی مطرح شده است. این مطالب که مربوط به نقاط قوت و ضعف این رویکردهاست، بارها در کنکور مورد پرسش قرار گرفته است:

رویکرد	نقطه قوت	نقطه ضعف
تبیینی	مطالعه نظم اجتماعی	فهم کنش اجتماعی
تفسیری	فهم معنای زندگی	مطالعه و بررسی قدرت اجتماعی
انتقادی	مطالعه نابرابری اجتماعی	ارائه معیارهای جهانشمول برای رفع منازعات هویتی